

خبرخوان

اصلاح مهریه در مجلس باید متوقف شود

ایرنا: معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفت: «موضع مشخص ما (معاونت ریاست‌جمهوری) توقف طرح اصلاح ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده (کاهش سقف اجرائی مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه) است؛ چراکه هیچ مطالعه دقیقی در این زمینه انجام نشده است». زهرا بهروزآذر در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران افزود: «از ابتدا به این طرح نقد جدی داشتیم و اشکالات زیادی در اجرای آن وجود داشت، طرح اصلاحیه نه تنها آن موارد و مشکلات را رفع نمی‌کند، بلکه در آن بحث جدید دیگری به صورت یک جانبه مطرح شده است». او ادامه داد: «موضوع مهریه یکی از مسائل مهم خانواده‌هاست و مهم‌ترین دغدغه‌ای که منجر به ارائه طرحی به مجلس شد، این است که بتوان تعداد زندانیان مرد را کاهش داد». معاون رئیس‌جمهور افزود: «مسئله طرح فعلی (با تغییرات اعمال‌شده در مجلس)، فشارهای اقتصادی است و یک‌باره عدد ۱۱۰ به ۱۴ سکه تقلیل یافته. واقعیت این است که مهریه صرفا یک عدد و فقط یک دین مادی نیست، بلکه یکی از اضلاع مهم نظام حقوقی خانواده محسوب می‌شود».

براساس اعلام او، اگر قرار است این ضلع اصلاح شود، باقی اضلاع هم باید بررسی و اصلاح شود، چون این موضوع آثار مختلفی روی زندگی همه جامعه به‌ویژه زنان خواهد داشت: «موضع مشخص معاونت امور زنان و خانواده این است که طرح اصلاح مهریه در مجلس باید متوقف شود، چون اصلا مطالعه جدی در این زمینه نشده است. از نمایندگان درخواست می‌کنیم این طرح را فعلا متوقف کنند؛ چراکه این مسئله صرفا برای مردان نیست و به همان نسبت مرتبط با زنان هم است. اینکه ما یک جانبه فقط مردان را ببینیم و زانی را که برای آنها این مسئله بسیار اهمیت دارد حذف کنیم، اصلا با رویکرد حاکمیت و دولت سازگار نیست».

رصد هوشمند انبارهای بزرگ تهران

ایسنا: معاون هماهنگی و امور اقتصادی استانداری تهران با اشاره به نارسایی‌های اخیر در بازار برخی کالا‌های اساسی از رصد هوشمند انبارها، تشدید نظارت‌ها و برخورد قاطع با تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان متخلف خبر داد. حشمت‌الله عسکری درباره وضعیت برخی کالا‌های اساسی در بازار تهران، گفت: «برخی از کالاها به واسطه تغییرات سالانه در دستمزد و قیمت مواد اولیه، مشمول قیمت‌گذاری هستند و از سوی سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان هرساله در ابتدای سال مورد بررسی، تصمیم‌گیری و اعلام قرار می‌گیرند».

او با بیان اینکه این‌ فرایند گاهی با وقفه‌هایی همراه می‌شود، گفت: «در برخی مواقع به دلیل این تأخیر، نارسایی‌هایی در بازار به وجود می‌آید؛ به نحوی که هم تولید برخی کارخانه‌های مشمول قیمت‌گذاری دستوری کاهش می‌یابد و هم امتناع از فروش در سطح خرده‌فروشی اتفاق می‌افتد». معاون اقتصادی استانداری تهران افزود: «تمام تلاش ما این است که در وهله نخست، با تشدید نظارت‌ها، از امتناع فروش جلوگیری کنیم. این پدیده معمولا در ابتدای سال بروز می‌کند و در سال جاری نیز در برخی گروه‌های کالایی نظیر شکر و روغن با این موضوع مواجه بوده‌ایم». او ادامه داد: «انبارهای بزرگ در سطح استان تحت رصد هوشمند قرار دارند و به شکل مداوم کنترل می‌شوند. هیچ‌گونه محدودیتی برای عرضه این کالاها به بهانه انتظار برای اصلاح قیمت از سوی سازمان، تا زمان اعلام تصمیم نهایی، پذیرفتنی نیست». عسکری با تأکید بر برخورد قاطع با متخلفان گفت: «برخورد با واحدهای متخلف در حوزه تولید و توزیع اقلام مصرفی با شدت دنبال می‌شود و همین رویکرد درباره دیگر گروه‌های کالایی نیز اجرا شده است. خوشبختانه در این مدت آرامش نسبی در بازار از ریز نیز به کاهش انتظار افزایش قیمت‌ها در بازار کمک کرده است».

درپیش دبستانی، فوق برنامه رسمیت ندارد

ایسنا: رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک با بیان اینکه در دوره پیش‌دبستانی هیچ‌گونه فعالیت فوق‌برنامه‌ای رسمیت ندارد، گفت: «از خانواده‌ها انتظار می‌رود که فرزندان خود را در کودکستان‌های دارای مجوز از سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، ثبت‌نام کنند». حمیدرضا شیخ‌الاسلام ادامه داد: «تمام آموزش‌ها در این دوره باید بر مبنای استانداردهای این سازمان انجام شود و هیچ فعالیت فوق‌برنامه‌ای نباید به این دوره اضافه شود؛ بنابراین هرگونه افزایش شهریه تحت عناوینی مانند فعالیت فوق برنامه مورد تأیید سازمان نیست».

او با اشاره به آغاز فرایند تعیین شهریه از ابتدای خردادماه، گفت: «با برنامه‌ریزی و اقدامات انجام‌شده و البته تلاش شبانه‌روزی مجموعه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، فرایند شهریه از ابتدای خردادماه آغاز شد. این در حالی است که این فرایند در سال‌های گذشته حوالی زمستان آغاز می‌شد و همین موضوع مشکلات بسیاری را برای خانواده‌ها، سازمان و مؤسسات و مربیان ایجاد کرده بود».

راه‌اندازی هتل‌های ویژه سالمندان

ایرنا: رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور از راه‌اندازی هتل‌های ویژه سالمندان در کشور خبر داد و گفت: «این شورا در حال بررسی، تدوین و استانداردسازی مراکز نوین از جمله هتل‌های ویژه سالمندان موسوم به هتل‌های نسل نقره‌ای است». مژگان رضازاده افزود: «هتل‌های نسل نقره‌ای، نوعی تسکیر برای اقامت گردشگران سالمند است که شرایط به گونه‌ای مطلوب برای آنها فراهم شود تا دسترس‌پذیری به همه نوع خدمات را داشته باشند و درعین‌حال بتوانند در موضوع گردشگری سالمند تمام آنچه را که نیاز یک سالمند است، دریافت کنند. این هتل‌ها اکنون در استان‌های مختلف از جمله استان خراسان رضوی در حال راه‌اندازی است».

او با اشاره به تغییرات جمعیتی و ضرورت توسعه اماکن سالمندان، گفت: «انتظار داریم دستگاه‌های عضو و همکار این شورا با توجه به تغییرات جمعیتی متناسب با نیازهای جامعه، سیاست‌گذاری‌های لازم را انجام دهند که یکی از مهم‌ترین آنها تدوین و استانداردسازی و راه‌اندازی مراکز نوین است». براساس اعلام رضازاده، مراکز نوین شامل اقامتگاه‌ها، باتوق‌های سالمندی، رستوران‌ها و کافه‌های سالمندی و کلینیک‌های تخصصی سالمندی است که اکنون چند کلینیک وجود دارد اما باید توسعه پیدا کند. او افزود: «مراکز مشاوره، باشگاه‌های ورزشی و دیگر اماکن و مراکزی که نیاز سالمندان است و باید مطابق استانداردهای لازم راه‌اندازی شود و انتظار داریم مبتنی بر ضرورت و نیاز به توسعه این نوع خدمات، دستگاه‌های مختلف در این حوزه ورود پیدا کنند».

رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان گفت: «هتل‌های نسل نقره‌ای یک فضای مناسب تفریحی، فرهنگی و ورزشی و رفاهی برای سالمندان است و سالمندان می‌توانند علاوه بر اینکه از فضاهای گردشگری لذت ببرند، از آزمایش‌های مختلف پزشکی و مراقبت‌های پرستاری نیز بهره‌مند شوند. سالمندان در هتل‌های نسل نقره‌ای از تمام مرادات اجتماعی به شیوه راحت بهره می‌برند و با استفاده از متخصصانی که علاقه‌مند به این حوزه هستند و می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، خدمات مختلف را دریافت می‌کنند».

جامعه ایرانی هنوز امید دارد. با وجود رنج‌های عمیق اجتماعی که زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در لایه‌های پنهانش ناامیدی موج می‌زند، همچنان بی‌می‌همراه با امید به آینده آن هم برای تحول دیده می‌شود. نشست بیم و امیدهای جامعه ایران که در انجمن علمی دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس برگزار شد، دقیقاً به همین موضوع پرداخت که بیم و امید، دوگانه‌ای است که نخستین سخنران نشست، هادی آقاچان‌زاده، استاد جامعه‌شناسی و پژوهشگر تحولات اجتماعی بود که صحبت‌های خود را با تأکید بر ضرورت تحلیل در سطح کلان آغاز کرد. او تأکید کرد برای درک جامعه ایران باید به پیوند میان ساختارهای رسمی و نیروهای اجتماعی نگریست. آقاچان‌زاده در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «ما در جامعه‌ای زیست می‌کنیم که چند دهه بحران را تجربه کرده و هنوز سرپا ایستاده است. این خود نشانه‌ای از ظرفیت‌های نهفته و پویای آن است؛ اما ایستادن به‌تنهایی کافی نیست. پرسش اصلی این است که آیا این ایستادگی به گشایش می‌انجامد یا به فرسایش؟». او در ادامه به ضعف نهادهای میانی همچون احزاب، انجمن‌ها، رسانه‌های مستقل و نهادهای مدنی اشاره کرد و ادامه داد: «جامعه ایران دچار شکاف‌هایی عمیق میان سطوح بالا و پایین ساختار اجتماعی است. نهادهای میانجی که باید حامل صدای جامعه باشند، با تضعیف یا به دالان‌هایی بی‌اثر بدل شده‌اند». بااین حال، این جامعه‌شناس از امید در جامعه هم سخن گفت: «امید در رفتارهای خودجوش اجتماعی، همبستگی‌های کوچک و کنش‌های غیررسمی قابل مشاهده است. بنابراین می‌توان گفت که زندگی اجتماعی پنهان را باید مهم‌ترین بستر بازسازی سرمایه اجتماعی دانست». آقاچان‌زاده با اشاره به تجربه زیسته خود توضیح داد: «جامعه‌شناس باید «در میانه» قرار گیرد؛ در فاصله میان یأس و امید، میان فردگرایی و جمع‌گرایی. در واقع جامعه‌شناس نباید بی‌طرف بماند، بلکه باید همدلانه در برابر مردم موضع بگیرد. با این حساب، از نظر من باید رنج را درهم‌تیدگی با گفتمان‌رهایی فهم کرد و آن را «حقیقی‌ترین واقعیت اجتماعی» خواند. پس می‌توان با ارجاع به رنج‌هایی مانند خشونت جنسی، تبعیض قومی یا نابرابری‌های اقتصادی، بر ضرورت دیدن این رنج‌ها در دل واقعیت اجتماعی تأکید کرد. می‌توانم بگویم که به باور من، جامعه ایران امروز، جامعه‌ای «سقوط‌کرده» است؛ اما این سقوط می‌تواند فرصتی برای بازاندیشی و احیای حیات اجتماعی باشد».

از تحلیل ساختار تا ظرفیت‌های جامعه

نخستین سخنران نشست، هادی آقاچان‌زاده، استاد جامعه‌شناسی و پژوهشگر تحولات اجتماعی بود که صحبت‌های خود را با تأکید بر ضرورت تحلیل در سطح کلان آغاز کرد. او تأکید کرد برای درک جامعه ایران باید به پیوند میان ساختارهای رسمی و نیروهای اجتماعی نگریست. آقاچان‌زاده در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «ما در جامعه‌ای زیست می‌کنیم که چند دهه بحران را تجربه کرده و هنوز سرپا ایستاده است. این خود نشانه‌ای از ظرفیت‌های نهفته و پویای آن است؛ اما ایستادن به‌تنهایی کافی نیست. پرسش اصلی این است که آیا این ایستادگی به گشایش می‌انجامد یا به فرسایش؟». او در ادامه به ضعف نهادهای میانی همچون احزاب، انجمن‌ها، رسانه‌های مستقل و نهادهای مدنی اشاره کرد و ادامه داد: «جامعه ایران دچار شکاف‌هایی عمیق میان سطوح بالا و پایین ساختار اجتماعی است. نهادهای میانجی که باید حامل صدای جامعه باشند، با تضعیف یا به دالان‌هایی بی‌اثر بدل شده‌اند». بااین حال، این جامعه‌شناس از امید در جامعه هم سخن گفت: «امید در رفتارهای خودجوش اجتماعی، همبستگی‌های کوچک و کنش‌های غیررسمی قابل مشاهده است. بنابراین می‌توان گفت که زندگی اجتماعی پنهان را باید مهم‌ترین بستر بازسازی سرمایه اجتماعی دانست». آقاچان‌زاده با اشاره به تجربه زیسته خود توضیح داد: «جامعه‌شناس باید «در میانه» قرار گیرد؛ در فاصله میان یأس و امید، میان فردگرایی و جمع‌گرایی. در واقع جامعه‌شناس نباید بی‌طرف بماند، بلکه باید همدلانه در برابر مردم موضع بگیرد. با این حساب، از نظر من باید رنج را درهم‌تیدگی با گفتمان‌رهایی فهم کرد و آن را «حقیقی‌ترین واقعیت اجتماعی» خواند. پس می‌توان با ارجاع به رنج‌هایی مانند خشونت جنسی، تبعیض قومی یا نابرابری‌های اقتصادی، بر ضرورت دیدن این رنج‌ها در دل واقعیت اجتماعی تأکید کرد. می‌توانم بگویم که به باور من، جامعه ایران امروز، جامعه‌ای «سقوط‌کرده» است؛ اما این سقوط می‌تواند فرصتی برای بازاندیشی و احیای حیات اجتماعی باشد».

بحران در بطن زندگی روزمره

اعظم خاتم، سخنران دیگر این برنامه که به عنوان پژوهشگر و جامعه‌شناس حضور داشت، در میان صحبت‌های خود با تکیه بر تجربه زیسته شهروندان سعی کرد بحران را نه در آمار و شاخص‌های کلان، بلکه در قلب زندگی روزمره دنبال کند. او در جایی از صحبت‌های خود تأکید کرد: «بحران‌های عمیق زمانی شکل می‌گیرند که مردم نتوانند برای فردای خود برنامه‌ریزی کنند؛ زمانی که آینده تیره و تخیل جمعی ضعیف می‌شود». خاتم بر تجربه‌های جنسیتی و طبقاتی در مواجهه با بحران‌ها تأکید ویژه‌ای داشت و گفت: «زنان، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار، در خط مقدم ناپایداری اجتماعی قرار دارند. آنها در تلاش برای حفظ خانواده، مراقبت از فرزندان و هم‌زمان تأمین معاش، تحت فشارهای مضاعف قرار دارند، اما کمتر در سیاست‌گذاری‌ها دیده می‌شوند».

این پژوهشگر در بین صحبت‌های خود به فرسودگی اجتماعی اشاره کرد و درباره آن توضیح داد: «فرسودگی اجتماعی مفهومی است که در آن، جامعه در سطحی پنهان دچار تحلیل نیرو و امید می‌شود». به اعتقاد او، گاه جامعه‌ای که به ظاهر آرام است، در زیر پوست خود فروپاشیده است؛ نه در شکل، بلکه در معنا. این جامعه‌شناس شهری، با تمرکز بر تجربه‌زیسته زنان در شهر، مفهوم «ترس» را کلیدی‌ترین عامل شکل‌دهنده رابطه زنان با فضاهای شهری دانست. این جامعه‌شناس اضافه کرد: «با اشاره به رشد روزافزون احساس ناامنی، باید حضور فراینده ابزارهای کنترل اجتماعی و خشونت در فضاهای عمومی را به نقد کشید. به باور من در سال‌های اخیر ترس و احساس ناامنی که پیش‌تر تجربه‌ای شخصی بود، اکنون به تجربه‌ای عمومی بدل شده؛ ترسی جمعی که ناشی از فقر، خشونت، بی‌ثباتی اقتصادی و آینده مبهم است».



عکس: Gettyimages

پژوهشگران و متخصصان علوم اجتماعی درباره شکاف‌های عمیق جامعه گفت‌وگوی جمعی و نهادهای میانجی که بی‌اثر شده‌اند، سخن گفتند

گرفتار ترس جمعی



نسترن فرخه

به‌تنهایی بیانگر شرایط روانی در ایران، اضطراب و البته روزنه‌های پنهان امید برای تحول است.

تحولات نسلی و افول مشارکت سیاسی

سخنران دیگر این برنامه، آرمان ذاکری، جامعه‌شناس حوزه جوانان و استاد دانشگاه علامه طباطبائی بود که سخنان خود را بر محور دگرگونی‌های نسلی متمرکز کرد. این جامعه‌شناس در صحبت‌هایش نسل جدید را نه تنها از نظر سنی، بلکه از منظر سبک زندگی، ذهنیت و شیوه رابطه با جامعه متفاوت دانست و در ادامه توضیح داد: «نسل امروز، برخلاف نسل‌های پیشین، سیاست را نه راهی برای رهایی، بلکه منبع اضطراب می‌بیند. آنها با سیاست رسمی فاصله‌گذاری کرده‌اند و در عوض به زیست فردی، کنش‌های شبکه‌ای و بازتعریف معانی فردی از موفقیت و بقا روی آورده‌اند». ذاکری در ادامه با اشاره به رشد پدیده‌هایی همچون مهاجرت، تحصیل در خارج، کنشگری آنلاین و اشتغال در اقتصاد دیجیتال اضافه کرد: «این مسیر نشانه‌ای از امید است نه انفعال؛ بازتابی از واقع‌گرایی سرد نسل جدید است؛ نسلی که نمی‌خواهد قربانی شود». این جامعه‌شناس در بخش دیگری از صحبت‌هایش در مورد نسل جوانان امروز با تأکید و هشدار گفت: «اگر نهادهای سیاسی و فرهنگی نتوانند با این نسل گفت‌وگو کنند، شکاف میان نسل‌ها به بحرانی جدی تبدیل خواهد شد». ذاکری ادامه داد: «باید بر ضرورت بازاندیشی در نسبت میان علم جامعه‌شناسی و تغییر اجتماعی از نوعی بحران در نقش روشنفکری جامعه‌شناسان پرداخت. باید توجه کرد که مطالبه‌گری از سوی جامعه نسبت به جامعه‌شناسان به‌درستی شکل نگرفته و دانش جامعه‌شناسی هنوز به شیوه‌ای مؤثر در سطح عمومی وارد نشده است». همچنین ذاکری با نگاهی انتقادی به عملکرد انجمن‌های علمی دانشجویی در ایران، از «انجماد فضاهای اجتماعی» گفت و تأکید کرد که برای بررون‌فشت از وضعیت فعلی، جامعه‌شناسی باید مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو باشد.

نابرابری به مثابه تهدید بنیادین

مارال لطیفی، پژوهشگر حوزه اجتماعی، سخنران دیگری بود که نگاه خود را معطوف به مسئله نابرابری ساختاری در جامعه ایران کرد. اما امروز، این ترس‌ها در قالبی خود گفت: «نابرابری فقط شکاف درآمدی نیست، بلکه به معنای نابرابری در دسترسی به امکانات، فرصت‌ها، صداداشتن و دیده‌شدن است». لطیفی در بخش دیگر صحبت‌هایش تأکید کرد که در سال‌های اخیر، نابرابری نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه چهره پیچیده‌تری به خود گرفته است: «ما با شکاف‌هایی مرکب از محرومیت، همچون شکاف طبقاتی، جنسیتی، قومی و جغرافیایی. این شکاف‌ها همدیگر را تقویت و انسجام اجتماعی را تهدید می‌کنند». این پژوهشگر حوزه اجتماعی در بخش دیگری از سخنان خود به «حاشیه‌نشینی» به عنوان یک روند رو به رشد اشاره کرد و گفت: «سکوت سیاست‌گذاری در برابر فقر شهری و ناب‌خورداری می‌تواند به شکل‌گیری نوعی خشم اجتماعی منجر شود که در آینده نمودهای تندتری خواهد داشت». لطیفی، این پژوهشگر دکترای جامعه‌شناسی، به مفهوم امید در جامعه ایران می‌پردازد که این کلمه با پیچیدگی‌های بسیاری در حال حاضر همراه است و از بُعد فردی و اجتماعی نگاه‌های متفاوتی به آن وجود دارد: «باید امید را امری جمعی و ساختاری خواند. برخلاف تصور رایج، امید نه یک احساس فردی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی است. بااین حال، با اشاره به شکاف میان سوز‌ها در جامعه ایران، باید گفت این شکاف نه‌فقط نتیجه نابرابری اقتصادی، بلکه محصول ناهم‌زمانی در امر امید است. به باور من، زمانی می‌توان از امید سخن گفت که امکان شکل‌گیری «ما»ی جمعی فراهم باشد؛ مایی که به باهم‌بودن، گفت‌وگو و عمل جمعی باور در جامعه باور داشته باشد».

بازبایی اعتماد؛ پیش‌شرط تحول

آخرین سخنران این نشست، مهدی یوسفی، جامعه‌شناس و محقق اندیشه سیاسی، بحثی بنیادین را درباره اعتماد اجتماعی مطرح کرد. او معتقد بود بحران در ایران بیش از آنکه بحران کارآمدی یا مشروعیت باشد، بحران اعتماد

در این نشست پژوهشگران و متخصصان جامعه‌شناس مانند هادی آقاچان‌زاده، اعظم خاتم، آرمان ذاکری، مارال لطیفی و مهدی یوسفی حضور داشتند. این سخنران‌ها سعی کردند تحلیل‌های عمیقی از امروز جامعه ایران ارائه دهند که به شکلی با روزمره و اخبار رسانه‌ها گره خورده که به نظر برخی افراد، افقی مبهم و چندلایه از آینده را به نمایش گذاشته است.

است. این جامعه‌شناس در ادامه صحبت‌های خود اضافه کرد: «در جامعه‌ای که اعتماد افقی و عمودی تضعیف شده، امکان گفت‌وگو، مصالحه و تحول از بین می‌رود. اعتماد، پیش‌شرط همه پروژه‌های توسعه است و فقدان آن می‌تواند هر طرحی را بی‌اثر کند». یوسفی در بخش دیگر از سخنان خود بر اهمیت شفافیت، صداقت و مشارکت واقعی تأکید کرد و افزود: «اعتماد تنها از طریق تصمیم‌های عقلانی بازسازی نمی‌شود، بلکه نیازمند تجربه زیسته مردم است. مردم باید ببینند که سخن‌شان شنیده می‌شود، حضورشان معنا دارد و زندگی‌شان بهبود می‌یابد. تا وقتی شهروندان احساس کنند تنها نظاره‌گر هستند و نه مشارکت‌کننده، هیچ امید پایداری شکل نخواهد گرفت». یوسفی با تأکید بر نقش احساس خطر در فهم وضعیت کنونی جامعه گفت: «ما نباید صرفاً در پی سنجش آماری خطر باشیم، بلکه باید با خود احساس خطر مواجه شویم. این احساس، امروز در حال کشتن باورها، افکار و زندگی‌هاست». او با نگاهی انتقادی به جایگاه کنونی علوم اجتماعی در ایران افزود: «علوم اجتماعی عمده‌تا در موقعیت پیش‌بینی و تحلیل آماری متوقف مانده‌اند؛ درحالی‌که ما نیازمند مواجهه مستقیم با واقعیت عینی رنج هستیم. نه صرفاً بازتولید مفاهیم کلی و تکراری». این جامعه‌شناس با اشاره به پیوندهای جدید اجتماعی که در جریان اعتراضات اخیر شکل گرفت، اضافه کرد: «خیابان، واقعیت ماست. همان‌هایی که امروز ممکن است علیه شما بایستند، در مهر ۱۴۰۱ کنار شما شعار می‌دادند. ما با یک وضعیت پیچیده مواجهیم که در آن باید دعوا کرد، باید به رسمیت شناخت که بحران هم درونی است و هم بیرونی». یوسفی در بخش دیگر صحبت‌هایش گفت: «تحولات تاریخی ایران پرداخت: «برخی هراس‌های امروز ما، از جمله ترس از تجزیه یا نابودی دین، ریشه‌هایی قدیمی دارند. در دوره مظفالدین‌شاه، هراس از بی‌نظمی با مفهوم جمهوری‌هراسی گره خورد؛ آن چنان که جمهوری‌خواهی با خشونت، بی‌نظمی و تهدید به نظم سیاسی معنا می‌شد. بااین‌حال باید اشاره کرد که ترس از نابودی دین و به حاشیه رفتن علما، در دوره‌های مختلف تاریخی، به شکل‌های گوناگون بروز کرده است. اما امروز، این ترس‌ها در قالبی جدید به سراغ ما آمده‌اند؛ یعنی زن به عنوان نماد تهدید و مرد به عنوان ناچیز نظم و ناموس. همین ساخت، تقسیم کار ملی جدیدی تولید کرده که جان انسان‌ها را در نقاط مختلف کشور، با قیمت‌های متفاوت مبادله می‌کند؛ یعنی در سیستم وبلوچستان قیمت جان کمتر از جایی مثل تهران است. آنچه در بطن وقایع اخیر وجود دارد، نوعی «بازی مرگ» است. همه می‌دانیم در تهران مرگ گران‌تر از بلوچستان است. این همان بازی مبادله‌پذیری مرگ است که در آن، وطن یا توسعه، بهای مرگ را تعیین می‌کنند». این سخنران همچنین تأکید کرد که برخی نهادهای روشنفکری از آدمک‌های در درک و لمس واقعیت فاصله گرفته‌اند: «برای پژوهش‌ها درباره رنج، چارچوب نظری نمی‌کافی نیست؛ باید به رنج نزدیک شد. ما هنوز به زندگی عادی، به دادخواهی، به دردهای ملموس مردم توجه جدی نکرده‌ایم». در پایان این برنامه، یوسفی به بحران مشروعیت کارایی ساختار سیاسی همچون مقوله اصولگرا و اصلاح‌طلبی اشاره کرد و گفت: «آنچه امروز ما را به هم متصل می‌کند، الزاما ایدئولوژی یا ساختار حزبی نیست، بلکه تجربه‌ای مشترک از رنج، خشم، سرکوب و امیدهای شکست‌خورده است. ما نیازمند نگارذاری‌های جدید، روایت‌های تازه و نزدیک شدن به وضعیت عینی مردم هستیم». نشست انجمن علمی جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس فرصتی بود برای نگریستن به جامعه ایران نه از منظر بحران‌های ناگهانی، بلکه از چشم‌انداز رچ‌اندازی عمیق. در این نشست، واژه «امید» به عنوان امکان بازبایی توان کنشگری در دل تاریکی‌های انباشته مطرح شد. نشست «بیم و امیدهای جامعه ایران» نشان داد که جامعه‌شناسی، اگرچه ممکن است در ظاهر از فرایند‌های سیاست‌گذاری رسمی دور باشد، اما می‌تواند نقشی کلیدی در بازکردن چشم‌اندازها، شنیدن صداهای فروشن‌شده و ساختن زبان مشترک برای فهم اکنون و آینده ایفا کند.

خبر روز

خریدارو؛ ۵۳ درصد هزینه‌های دهک‌های پایین

ایلنا: رئیس انجمن علمی اقتصاد سلامت ایران گفت: «آخرین گزارش‌هایی که در دست است، نشان می‌دهد در دهک‌های پایین درآمدی، هزینه‌های دارویی به ۵۳ درصد هزینه‌های بهداشتی-درمانی رسیده است؛ یعنی ۵۳ درصد هزینه‌های پرداختی از جیب مردم در دهک‌های پایین درآمدی، مربوط به داروست. این موضوع ناشی از افزایش بی‌رویه قیمت دارو و سیاست‌های نادرست وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو در افزایش نرخ ارز مورد نیاز دارو و تجهیزات پزشکی و همچنین حذف ارز ترجیحی است. محمدرضا واعظم‌دهودی، درباره وضعیت فعلی بازار دارویی کشور توضیح داد: «به طور کلی یکی از وظایف مهم نظام‌های سلامت، حفاظت و حمایت از خدمت‌گیرندگان و مردم است. امروزه سازمان جهانی بهداشت، برنامه جامعی را تحت عنوان «پوشش همگانی سلامت» پیگیری می‌کند. این سیستم یا پوشش عمومی سلامت، درواقع بیانگر آن است که باید چتر خدمات سلامت برای همه مردم فراهم باشد و هیچ‌کس به دلیل نداشتن پول یا درآمد و منابع مالی کافی از دریافت خدمات سلامت محروم نشود». او ادامه داد: «به همین دلیل، امروزه دولت‌ها بسیار تلاش می‌کنند تا بتوانند نهادهای سلامت را با قیمت ارزان‌تری تأمین کرده و در اختیار تولیدکنندگان خدمات قرار دهند تا قیمت تمام‌شده خدمات ارزان‌تر تمام شود و بیماران با نیازمندان بتوانند آن را خریداری کنند. با پوشش بیمه‌ما به گونه‌ای باشد که حداقل پرداخت از جیب را برای مردم به همراه داشته باشد». او اضافه کرد: «در قواین مختلف ما نیز به این موضوع اشاره و توجه شده است، از جمله اصل ۲۹ قانون اساسی که تصریح می‌کند برخورداری از خدمات سلامت، حق همگانی تمام شهروندان کشور است. همچنین سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم توسعه نیز تأکید دارند که میزان پرداخت از جیب باید به کمتر از ۳۰ درصد کاهش یابد». واعظم‌دهودی با اشاره به افزایش پرداختی از جیب مردم، افزود: «امروزه حدود ۵۵ درصد هزینه‌های سلامت از جیب مردم پرداخت می‌شود و دراین‌میان هزینه‌های دارویی یکی از مهم‌ترین ارکان این هزینه‌ها به شمار می‌رود. آخرین گزارش‌هایی که در دست است، نشان می‌دهد در دهک‌های پایین درآمدی، هزینه‌های دارویی به ۵۳ درصد هزینه‌های بهداشتی-درمانی رسیده است؛ یعنی ۵۳ درصد هزینه‌های پرداخت از جیب مردم در دهک‌های پایین درآمدی، مربوط به داروست. این موضوع ناشی از افزایش بی‌رویه قیمت دارو و سیاست‌های غلط وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو در افزایش نرخ ارز مورد نیاز دارو و تجهیزات پزشکی و همچنین حذف ارز ترجیحی است». او ادامه داد: «این تصمیمات، متأسفانه با نوعی بی‌توجهی به مصرف‌کنندگان و خدمت‌گیرندگان، بار مالی هزینه‌ها را بر دوش مردم افزایش داده است. این بار مالی بیشتر به فقرا و افراد کم‌درآمد اصابت می‌کند. متأسفانه ما به‌تدریج شاهد این مسئله هستیم، افرادی که به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند، به مشاهده هزینه‌ها عملاً بیمارستان را ترک می‌کنند. با افرادی که نیاز به تجهیزات یا استنت یا پروتز دارند، وقتی با قیمت آن مواجه می‌شوند، از دریافت آن خدمت انصراف می‌دهند. همچنین در داروخانه‌ها، برخی افراد ممکن است در مواجهه با قیمت دارو، عملاً از تهیه داروی خود صرف‌نظر کنند. وقتی فردی به داروخانه مراجعه می‌کند و با قیمت بالای دارو مواجه می‌شود و از خرید آن انصراف می‌دهد، درواقع خودش را در معرض آسیب‌ها، معلولیت‌ها و زیان‌های ناشی از درمان‌نشدن به‌موقع قرار می‌دهد». او در واکنش به اظهارات رئیس سازمان غذا و دارو، مبنی بر اینکه هیچ گزارش‌ی از اینکه کسی از خرید داروی خود انصراف دهد وجود ندارد و اینها فقط بحث‌های خبری هستند، گفت: «شاید ایشان فردی بسیار غافل باشند و اساساً ندانند در کف جامعه چه می‌گذرد. کافی است ایشان به داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و واحدهای مختلف ارائه‌دهنده خدمات مراجعه کنند تا ببینند که امروزه برخی از مردم، وقتی نسخه‌شان را به داروخانه می‌دهند، تا ۸۰ درصد هزینه‌ها را باید از جیب خود پرداخت کنند. شاید ایشان گمان می‌کنند که همه مردم مانند مسئولان، دارای حقوق و درآمدهای بالا هستند و هیچ دغدغه‌ای درباره هزینه‌های بهداشت و درمان خود ندارند.